

تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق:

رویکرد حوزه زبان‌شناسی حقوقی

فردوس آقاگل‌زاده^{۱*}، فائزه فرازنده‌پور^۲، ارسلان گلغام^۳

۱- دانشجویار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- پژوهشگر گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۱/۱۵

دریافت: ۸۸/۱۰/۱۶

چکیده

این پژوهش درصدد است تا الگوی نوینی را برای تهیه خلاصه آرای قضایی به زبان ساده حقوقی ارائه دهد. در این مقاله، ضمن تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی، الگویی با عنوان الگوی خلاق معرفی می‌شود که براساس آن طی ۵ مرحله مجزا می‌توان خلاصه آرای قضایی که حاوی کلان‌گزاره‌های متن است را به زبان ساده حقوقی و با تفکیک موضوع ارائه داد. پیکره زبانی پژوهش عبارت است از ۵۰ دادنامه با موضوع کیفری و حقوقی که با روش تحلیلی-توصیفی از نوع تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل می‌شوند. پس از پیاده‌سازی آراء در الگوی خلاق، میزان جامعیت متن خلاصه رأی و همچنین قابلیت درک و شفافیت بیان آن در مقایسه با متن اصلی به روش «بررسی مقایسه‌ای» و روش «گروه کانونی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این بررسی‌ها نشان می‌دهد که خلاصه آرای قضایی که از طریق الگوی خلاق به دست آمده، نه تنها نکات کلیدی متن اصلی را دربرگرفته، بلکه در مقایسه با متن اصلی از قابلیت درک و صراحت بیان بیشتری برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی (قضایی)، زبان ساده حقوقی، ساخت موضوعی، نشانگرهای گفتمانی و قواعد کلان متن.

۱. مقدمه

زبان حقوقی که ابزار برقراری ارتباط در حوزه حقوق و ضامن اجرای قانون است، همواره برای غیرحقوقدانان درک‌نشدنی بوده؛ به طوری که زبان‌شناسان اروپایی سبک زبان حقوقی^۱ را گویشی مجزا تلقی می‌کنند. یکی از دلایل این مسئله آن است که زبان حقوقی برخلاف سایر زبان‌ها، یک زبان ایستا است. نتایج حاصل از تحلیل‌های زبان‌شناختی که در این زمینه صورت گرفته نشان می‌دهد که دشواری درک زبان حقوقی نه تنها ناشی از به‌کارگیری اصطلاحات فنی و حقوقی خاص، بلکه به دلیل ویژگی‌های سبکی و ساختاری این زبان است. به هر حال مخاطبان احکام صادره، هر گویشوری می‌تواند باشد؛ خواه باسواد و خواه کم‌سواد. این حق گویش‌وران یک زبان و مردم یک کشور است که بتوانند مفهوم احکام قضایی که به زبان مادریشان نوشته می‌شود را درک کنند و بفهمند که آیا رأی به محکومیت آن‌ها صادر شده یا حاکمیت آن‌ها و بدانند که به چه دلیل حاکم یا محکوم شده‌اند. تاکنون در ایران هیچ اقدامی در راستای حل مشکل پیچیدگی متون حقوقی صورت نگرفته اما در زبان انگلیسی تلاش‌هایی برای ساده‌نویسی این متون از طریق فرمول‌های خوانش‌پذیری^۲ و همچنین ویرایش بلاغی آن‌ها انجام شده اما به دلیل ساختار زبانی و پیچیدگی ذاتی زبان حقوقی، هیچ‌گونه تغییر محسوس در این زبان ایجاد نکرده است. اخیراً در اروپا اقداماتی صورت گرفته که هدف آن رواج «زبان ساده حقوقی»^۳ است. زبان ساده حقوقی یعنی نوشتن به نحوی که نه تنها برای حقوقدانان بلکه برای غیرحقوقدانان نیز قابل درک باشد. این زبان از نظر قانونی الزام‌آور و از نظر منطقی، زبانی سازمان‌یافته، دقیق و عاری از ابهام است. بنابراین در این پژوهش سعی شده تا ضمن شناسایی عواملی که موجب دشواری درک متون حقوقی می‌شود، با بررسی ساخت موضوعی^۴ این‌گونه متون و کدگذاری ویژگی‌های متنی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، الگویی با عنوان «الگوی خلاق» (الگوی خلاصه‌نویسی آرای قضایی) ارائه شود و به این ترتیب بتوان ضمن ساده‌نویسی آرای قضایی، خلاصه جامع از آن ارائه داد تا برای غیرحقوقدانان قابل درک و برای حقوقدانان قابل استناد باشد.

1. legalese
2. readability
3. plain legal language
4. thematic structure

۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی حقوقی (قانونی) در کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلیس، کانادا و آمریکا پیشرفت چشمگیری داشته و راهگشای بسیاری از مسائل مربوط به دو رشته زبان‌شناسی و حقوق بوده است. اما این رشته در ایران تا حد زیادی ناشناخته مانده و تاکنون در ایران هیچ اقدامی درباره یکی از موضوعات زیرمجموعه زبان‌شناسی حقوقی، یعنی خلاصه‌نویسی متون حقوقی، صورت نگرفته است. از میان پژوهشگران غیرایرانی که در حوزه زبان‌شناسی حقوقی به تحقیق پرداخته‌اند می‌توان راجر شای (۱۹۹۳)، پیتر تیرسما (۱۹۹۳)، جان گیبونز (۱۹۹۴)، جان اولسن (۱۹۹۵) و ملکم کلتارد (۲۰۰۲) را نام برد که با استناد به مبانی زبان‌شناسی نظری و کاربردشناسی و هزاران پرونده حقوقی مطرح‌شده در محاکم قضایی آمریکا و اروپا، به صراحت بیان می‌کنند که رابطه نزدیکی بین رشته زبان‌شناسی و حقوق وجود دارد و این رابطه، در دادگاه‌ها با ارائه شواهد زبان‌شناختی بسیار گره‌گشای دستگاه حقوقی در امر قضاوت و کشف حقایق بوده است. از بین محققان ایرانی که در این زمینه تحقیقات محدودی ارائه داده‌اند می‌توان حبیبی (۱۳۷۴)، لطیفی‌خواه (۱۳۸۱)، آقاگل‌زاده (۱۳۸۴)، داوودی رئیسی (۱۳۸۴) و صفی (۱۳۸۶) را نام برد که تحقیقات هیچ‌یک از آن‌ها مرتبط با موضوع این تحقیق نبوده است. بنابراین، این پژوهش نخستین گام در راستای خلاصه‌نویسی آرای قضایی و گسترش زبان ساده حقوقی در ایران است. به‌علاوه، ارائه «الگوی خلاق» از دیگر نوآوری‌های این پژوهش است؛ زیرا تاکنون برای خلاصه‌نویسی متون حقوقی هیچ الگو و راهکاری ارائه نشده است. امید است که دستاوردهای این پژوهش بتواند در عمل راهگشای مشکلات موجود و زمینه‌ساز پژوهش‌های ارزشمند آتی باشد.

۳. مبانی نظری پژوهش

این پژوهش از چارچوب نظری خاصی پیروی نمی‌کند، چون اساساً در این حوزه، چارچوب نظری خاصی وجود ندارد؛ بلکه با الهام از الگوی فرایندمحور وندایک و با استفاده از ابزارهای انسجام متن هلیدی و حسن (به‌ویژه انسجام‌های پیوندی) از طریق تقطیع موضوعی متن آراء و سپس اعمال قواعد کلان متن از قبیل قاعده حذف، قاعده تعمیم‌دهی و قاعده ساختی، خلاصه آراء، در قالب «الگوی خلاق» و به زبان ساده حقوقی ارائه شده است.

۴. معرفی پیکره زبانی و روش انجام پژوهش

پیکره داده‌های زبانی این پژوهش عبارت از ۵۰ رأی صادره از دادگاه‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران که با موضوعات مختلف کیفری و حقوقی است که به روش تحلیلی توصیفی، از نوع تحلیل محتوا مورد بررسی می‌شوند؛ بدین ترتیب که ابتدا با تحلیل زبان‌شناختی متن آراء، کاستی‌های زبانی را که موجب ابهام و دشواری درک متن برای غیرحقوقدانان می‌شود (یعنی مواردی مانند طولانی‌نویسی، عدم رعایت علائم نشانه‌گذاری، استفاده بیش از حد از واژگان عربی و به‌کارگیری اصطلاحات فنی و حقوقی بدون ارائه تعریف ساده و قابل فهم برای آن‌ها) را تعیین کرده و از طریق شناسایی علائم گفتمانی و نشانه‌های زبانی و تفکیک موضوعی متن رأی به ۵ موضوع اصلی که در همه دادنامه‌ها مشترک است، با اعمال قواعد کلان، نکات کلیدی متن استخراج شده و سرانجام خلاصه رأی به زبان ساده حقوقی و به تفکیک موضوع، طی ۵ مرحله و در قالب الگوی خلاق ارائه می‌شود. در پایان، به‌منظور تست الگو از نظر میزان جامعیت خلاصه آراء از دیدگاه حقوقی و قابلیت درک آن برای غیرحقوقدانان، دو روش مجزا یعنی روش «گروه کانونی» و روش «بررسی مقایسه‌ای» انجام شده است.

۴-۱. مراحل الگوی خلاق

پردازش پیکره زبانی این پژوهش (دادنامه‌ها) و ارائه خلاصه آن طی یک فرایند ۵ مرحله‌ای صورت می‌گیرد که در ادامه شرح داده می‌شود.

۱. مرحله پیش‌پردازش^۱: به منظور کشف نحوه توزیع اطلاعات در متن، ابتدا با بهره‌گیری از نشانگرهای گفتمانی^۲ و کلان‌پیوندهنده‌های^۳ متداول در این‌گونه متون، متن رأی را به پاراگراف‌های تشکیل‌دهنده آن تفکیک می‌کنیم.

۲. مرحله تقطیع موضوعی^۴: از آنجا که معمولاً در نگارش آرای قضایی، اصل طولانی‌نویسی و عدم رعایت اصول نشانه‌گذاری حاکم است، لذا اغلب کل متن در غالب یک جمله تلقی می‌شود (یعنی سطح خرد و کلان متن یکی است) که این امر درک پیام متن را دشواری می‌کند. بنابراین به منظور تقطیع متن به موضوع‌های مختلف، ساخت کلان متن را مبنای کار قرار می‌دهیم و با توجه به ساخت موضوعی آراء، ۵

-
1. preprocessing stage
 2. discourse markers
 3. connectives
 4. thematic segmentation stage

موضوع اصلی که در همه دادنامه‌ها مشترک است را در نظر می‌گیریم. سپس واحدهای متنی مربوط به هر یک (که یک موضوع گفتمانی محسوب می‌شود) را در بخش مربوط به خود قرار می‌دهیم؛ یعنی تا جایی که موضوع گفتمان عوض می‌شود یک مبتدای گفتمانی در نظر گرفته و یک بخش را به آن اختصاص می‌دهیم؛ بدین ترتیب متن رأی تقطیع موضوعی می‌شود. این ۵ موضوع عبارتند از:

الف) اطلاعات عمومی پرونده: اطلاعات اولیه‌ای که معمولاً در ابتدا و انتهای دادنامه‌ها

می‌آید و همچنین استنادات و مواد قانونی در گروه اطلاعات عمومی پرونده قرار می‌گیرد.

ب) موضوع دعوا^۲ (خواستنه / اتهام): مطالب این قسمت نشان‌دهنده خواسته خواهان (در

امور حقوقی) و یا اتهام متهم (در امور کیفری) است؛ یعنی در حقیقت نشان می‌دهد که خواهان یا شاکی به چه دلیل دادخواست یا شکوائیه تقدیم کرده است.

ج) شرح دعوا^۳: در این قسمت شرح واقعه و آنچه بین طرفین دعوا رخ داده به ترتیب

تقدم و تأخر، ذکر می‌شود. در حقیقت مطالب این قسمت نشان می‌دهد که خوانده / متهم چه کاری را در حق خواهان / شاکی انجام داده و در دفاع از حق خود چه دلایلی دارد.

د) دلایل و مستندات قضایی^۴: در این قسمت قاضی معمولاً با توجه به حقایق کشف‌شده،

ادعا، دلایل و یا دفاعیات یکی از طرفین دعوا را مستند و مستدل تشخیص می‌دهد (البته گاهی هم هر دو و یا هیچ یک را محق نمی‌داند). اصولاً این قسمت از رأی برای حقوقدانان بسیار حائز اهمیت است، زیرا نشانگر دلایلی است که براساس آن قاضی خواسته خواهان و یا اتهام متهم را ثابت و محرز تشخیص می‌دهد و یا دعوی مطرح‌شده را مردود اعلام می‌کند.

ه) نتیجه‌گیری و صدور رأی^۵: در این قاضی براساس مواد قانونی مربوط به موضوع،

رأی صادر می‌کند. بدین ترتیب این قسمت نشان می‌دهد که به موجب رأی دادگاه، موضوع مورد اختلاف طرفین حل و فصل شده (حکم صادرشده) و یا به موجب صدور قرار، دعوا مردود و یا بی‌اهمیت اعلام گردیده است.

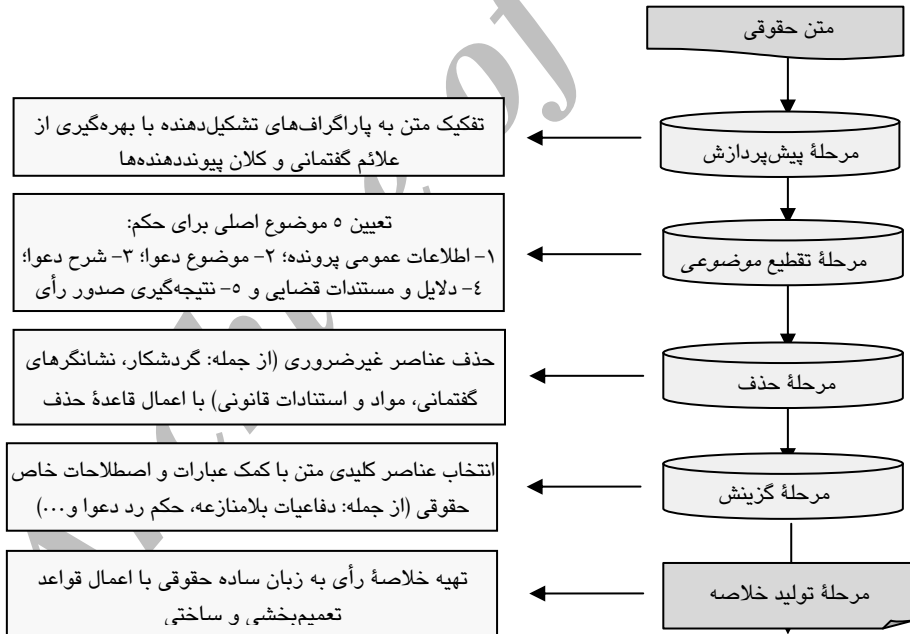
۳. مرحله حذف^۶: در این مرحله، با اعمال یکی از قواعد کلان در دستور متن (قاعده حذف)،

1. theme
2. dossier general data
3. subject of proceeding
4. record of proceeding
5. judicial evidences
6. conclusion and verdict issuance
7. elimination stage

مطالب غیرضروری که با حذف آن‌ها به محتوای اصلی متن و جان کلام لطمه‌ای وارد نمی‌شود، حذف می‌گردد؛ از جمله بخش گردشکار، برخی از اظهارنظرهای طرفین دعوا و علائم گفتمانی.

۴. **مرحلهٔ گزینش:** در این مرحله مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عناصر متن برگزیده می‌شود. این عناصر کلیدی یا به صورت فعل‌اند (مانند: نتیجه‌گیری کردن، صادر و اعلام کردن و ...)، و یا به صورت عبارات و اصطلاحات خاص حقوقی (مانند: دفاعیات بلاوجه، قرار رد دعوا و ...) که برخی از این عبارات و اصطلاحات به همراه مثال در جدول ۲-۵ ارائه شده است.

۵. **مرحلهٔ تولید خلاصه براساس الگوی خلاق:** در این مرحله با اعمال قاعدهٔ تعمیم‌بخشی و قاعده‌ساختی، خلاصهٔ رأی که حاوی عناصر کلیدی متن است به زبان سادهٔ حقوقی و با تفکیک موضوع ارائه می‌شود. به این ترتیب کلان‌گزاره‌های آرای قضایی به دست می‌آید.



نمودار ۱-۴ مراحل «الگوی خلاق»

1. selection stage
2. summary production stage

۵. تحلیل زبان‌شناختی یک نمونه دادنامه

و ع^۱

شماره پرونده: ۱۶۵/۲۰۸۷۸

و ح

شماره و تاریخ دادنامه: ۷۸/۲/۹-۱۱۱

و ح و ح و ح

مرجع رسیدگی: شعبه دادگاه عمومی

و ح

خواهان: آقای موسی, به نشانی

و ح و ح

خواسته: تخفیف مجازات.

و ح

رای دادگاه:

و ع ح و ح و ح و ح و ح

در خصوص تقاضای آقای موسی ... محکوم علیه دادنامه شماره ۲۲۵۳-۱۸/۱۰/۷۵ صادره

و ح و ح و ح و ح و ح

از این دادگاه که به موجب آن نامبرده به تحمل دو سال حبس و پرداخت مبلغ ۷۵ میلیون

و ح و ح و ح و ح و ح

ریال جزای نقدی و پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال به تضامن در حق سه نفر

و ح و ح و ح و ح و ح

از شکات آقای علی ... و حجت اله ... و پرویز ... محکوم شده است. به تخفیف در مجازات با

۱. علائم اختصاری به‌کاررفته در تجزیه و تحلیل آراء عبارت‌اند از: و ح (واژه حقوقی)، و ع (واژه عربی)، ع ح ا (عبارت حرف اضافه‌ای)، س م (ساخت مجهول)، ر خ (رسم‌الخط)، ع ن (علامت نابجا).

- ع ح ا
ع ح ا ع ح و ح
توجه به گذشت شاکی خصوصی و در استناد به ماده ۲۵ اصلاحی پاره‌ای از قوانین دادگستری
- ع ح ا
ع ح ا ع ن ع ح
مصوب ۱۳۵۶. با توجه به اینکه آقای حاجت ... احد از شکات اعلام گذشت نموده است بنابراین دادگاه
- ع ح ا
ع ح ا ع ح و ح
محکوم علیه را مستحق تخفیف دانسته و مستنداً به ماده فوق‌الذکر مجازات تعیین شده در مورد
- ع ح
نامبرده را به شرح زیر تخفیف و تبدیل می‌نماید: ۱- دو سال حبس تعزیری به یک سال حبس؛
- ع ح
ع ح ا
۲- جزای نقدی مبلغ ۷۵ میلیون ریال به مبلغ چهل میلیون ریال و ۳- رد مال به نسبت سهم دو نفر
- ع ح ا
ع ح و ح
دیگر شکات این رأی حضوری و قطعی است.

اگرچه در متن این رأی الزامات قانونی که باید در نگارش آرای قضایی مورد توجه قرار گیرد، رعایت شده اما به لحاظ صوری و محتوایی، اصول سازمان‌بندی متن به‌طور کامل رعایت نشده است؛ یعنی برای نشان‌دادن تغییر موضوع از ابزارهای کلامی (مانند: درخصوص، در استناد به، با توجه به اینکه، مستنداً به ماده فوق‌الذکر) استفاده شده، ولی جنبه‌های صوری آن لحاظ نگردیده است (مانند پاراگراف‌بندی و نشانه‌گذاری). به‌طورکلی با تحلیل زبان‌شناختی متن فوق و بررسی اصول نگارش آرای قضایی از بعد زبان‌شناختی، می‌توان نکات زیر را برشمرد:

- ۱- استواری نثر: گرچه نخستین ویژگی رأی مطلوب آن است که در نثر آن از اصطلاحات ثقیل حقوقی و همچنین واژگان عربی و عبارات حرف اضافه‌ای در حد افراط استفاده نشده باشد، اما با توجه به جدول ۱- ۵، مشاهده می‌شود که این موارد در رأی فوق فراوان دیده می‌شوند.
- ۲- رعایت رسم‌الخط: اصول نگارش و قطع و وصل حرف «ب» در برخی موارد رعایت نشده، نمونه‌های آن در جدول ۱- ۵، مشخص شده است.

جدول ۱-۵ جدول فراوانی عناصر مورد پژوهش در رأی فوق

| نمونه | تعداد | داده‌نامه |
|----------------------------------|-------|-------------------------|
| حبس تعزیری، رد مال، محکوم‌علیه | ۲۷ | اصطلاحات و واژگان حقوقی |
| تضامن، شکات، فوق‌الذکر | ۱۲ | واژگان عربی |
| به موجب آن، در استناد به، درخصوص | ۷ | عبارات حرف اضافه‌ای |
| محکوم شده است، مجازات تعیین شده | ۲ | ساخت مجهول |
| به موجب، به ماده | ۲ | رسم‌الخط |

۳- پرهیز از طولانی‌نویسی: به‌طورکلی به علت رعایت‌نکردن اصول پاراگراف‌بندی و نشانه‌گذاری، متن رأی، یک جمله طولانی محسوب می‌شود که این امر، موجب ایجاد ابهام و دشواری درک برخی از قسمت‌های متن فوق شده است؛ به عبارت دیگر، در رأی مذکور جملات بسیاری میان واژه «تقاضا» (در جمله اول) و «تقاضای محکوم‌علیه» (در جمله چهارم) قرار گرفته که این فاصله میان کلمه «تقاضا» و «موود تقاضا»، رأی را بسیار سنگین و دشوار کرده است.

۴- رعایت نشانه‌گذاری: در رأی فوق، جز در یک مورد که آن هم اشتباه به کار رفته، از هیچ‌یک از علائم نوشتاری از قبیل نقطه، ویرگول، نقطه‌ویرگول و مانند آن استفاده نشده است. در حقیقت جملات رأی به اندازه‌ای طولانی هستند که دادگاه برای کوتاه نمایاندن جمله، در سطر چهارم و ششم (در متن «رأی دادگاه») علامت نقطه را نادرست به‌کار برده، زیرا در سطر چهارم عبارت «به تخفیف در مجازات» - که خواسته محکوم‌علیه بوده است - از نظر منطقی و نگارشی جزء پیوسته به کلام قبل است. همچنین در سطر ششم نیز پس از عبارت «مصوب ۱۳۵۶» به جای استفاده از علامت ویرگول به اشتباه از علامت نقطه استفاده شده که این امر موجب دشواری خواندن و درک متن شده است.

علاوه بر مطالب فوق می‌توان نکات زیر را نیز برشمرد:

۵- حرف اضافه‌ای که به همراه کلمه «استناد» به‌کار می‌رود، «به» است و ترکیب «در استناد به ماده ...» ترکیب نادرستی است.

۶- قسمتی از رأی، با این عبارت که «دادگاه ... مجازات تعیین‌شده در مورد نامبرده را به شرح زیر تخفیف و تبدیل می‌نماید ...» نادرست است. در واقع، در این جمله، فعل «می‌نماید»،

مشتق از مصدر «نمودن»، معطوف به هر دو کلمه «تخفیف» و «تبدیل» شده است؛ درحالی که واژه «تخفیف» وبا مصدر «نمودن» به‌کار نمی‌رود و مجازات را هیچ‌گاه نمی‌توان تخفیف نمود. برای بیان این مقصود می‌توان چنین عبارتی را به کار برد: «دادگاه ... مجازات معین شده برای متهم را به شرح زیر تخفیف می‌دهد» یا «دادگاه ... با قبول تخفیف مجازات، آن را به مجازات زیر تبدیل می‌نماید».

۱-۵. پیاده‌سازی دادنامه در الگوی خلاق

۱-۱-۵. مرحله پیش‌پردازش

در خصوص تقاضای آقای موسی ... محکوم‌علیه دادنامه شماره ۲۲۵۳-۷۵/۱۰/۱۸ صادره از این دادگاه که به‌موجب آن نامبرده به تحمل دو سال حبس و پرداخت مبلغ ۷۵ میلیون ریال جزای نقدی و پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال به تضامن در حق سه نفر از شکات آقای علی ... و حجت اله ... و پرویز ... محکوم شده است. به تخفیف در مجازات با توجه به گذشت شاکی خصوصی و در استناد به ماده ۲۵ اصلاحی پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶. با توجه به این‌که آقای حجت ... احد از شکات اعلام گذشت نموده است. بنابراین دادگاه محکوم علیه را مستحق تخفیف دانسته و مستنداً به ماده فوق‌الذکر مجازات تعیین‌شده در مورد نامبرده را به شرح زیر تخفیف و تبدیل می‌نماید ۱- دو سال حبس تعزیری به یک سال حبس؛ ۲- جزای نقدی مبلغ ۷۵ میلیون ریال به مبلغ چهل میلیون ریال و ۳- رد مال به نسبت سهم دو نفر دیگر شکات. این رأی حضوری و قطعی است.

۱-۲-۵. مرحله تقطیع موضوعی

الف) اطلاعات عمومی پرونده

شماره پرونده: ۱۶۵ / ۲۰۸۷۸

شماره و تاریخ دادنامه: ۷۸/۲/۹-۱۱۱

مرجع رسیدگی: شعبه ... دادگاه عمومی

خواهان: آقای موسی ... به نشانی ...

خواسته: تخفیف مجازات

(ب) موضوع دعوا (خواسته و ج) شرح دعوا

درخصوص تقاضای آقای موسی ... محکوم‌علیه دادنامه شماره ۲۲۵۳ - ۷۵/۱۰/۱۸ صادره از این دادگاه که به موجب آن نامبرده به تحمل دو سال حبس و پرداخت مبلغ ۷۵ میلیون ریال جزای نقدی و پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال به تضامن در حق سه نفر از شکات آقای علی ... و حجت اله ... و پرویز ... محکوم شده است. به تخفیف در مجازات با توجه به گذشت شاکی خصوصی و (د) دلایل و مستندات قضایی در استناد به ماده ۲۵ اصلاحی پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶. با توجه به این که آقای حجت ... احد از شکات اعلام گذشت نموده است. بنابراین دادگاه محکوم‌علیه را مستحق تخفیف دانسته است.

(ه) نتیجه‌گیری و صدور رأی

و مستنداً به ماده فوق‌الذکر مجازات تعیین‌شده در مورد نامبرده را به شرح زیر تخفیف و تبدیل می‌نماید ۱- دو سال حبس تعزیری به یک سال حبس؛ ۲- جزای نقدی مبلغ ۷۵ میلیون ریال به مبلغ چهار میلیون ریال و ۳- رد مال به نسبت سهم دو نفر دیگر شکات. این رأی حضوری و قطعی است.

۳-۱-۵. مرحله حذف

در این مرحله، عبارات و گزاره‌های غیرضروری که در متن فوق‌الذکر خط کشیده شده، با اعمال قاعده حذف، از داخل متن برداشته می‌شود.

۴-۱-۵. مرحله گزینش

عبارت‌ها و گزاره‌های کلیدی این رأی عبارت‌اند از:

- تقاضای محکوم‌علیه دادنامه ... به تخفیف در مجازات با توجه به گذشت شاکی خصوصی.

- احدی از شکات اعلام گذشت نموده است.

- دادگاه محکوم‌علیه را مستحق تخفیف دانسته است.

- مجازات تعیین‌شده در مورد نامبرده را به شرح زیر تخفیف می‌دهد:

۱- دو سال حبس تعزیری به یک سال حبس؛ ۲- جزای نقدی مبلغ ۷۵ میلیون ریال به

مبلغ چهار میلیون ریال و ۳- رد مال به نسبت سهم دو نفر دیگر شکات.

۵-۱-۵. مرحله تولید خلاصه

خلاصه دادنامه در قالب الگوی خلاق

۱- اطلاعات عمومی پرونده

شماره پرونده: ۱۶۵ / ۲۰۸۷۸

شماره و تاریخ دادنامه: ۷۸/۲/۹-۱۱۱

مرجع رسیدگی: شعبه دادگاه عمومی

خواهان: آقای موسی ... به نشانی ...

مواد قانونی: ماده ۲۵ اصلاحی پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶

نوع رأی: قطعی

۲- موضوع دعوا (خواسته)

تقاضای تخفیف در مجازات به علت گذشت شاکی خصوصی

۳- شرح دعوا

براساس دادنامه شماره خواهان به تحمل دو سال حبس تعزیری، پرداخت جزای نقدی به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال، پرداخت ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌طور مستقل در حق سه نفر از شاکی‌ها محکوم شده است.

۴- دلایل و مستندات قضایی

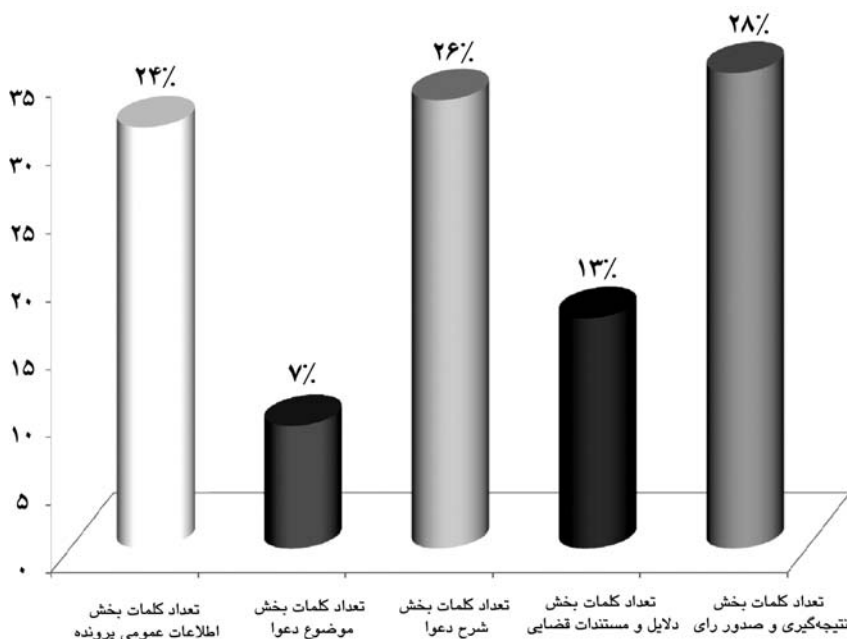
با توجه به گذشت یکی از شاکی‌ها، دادگاه خواهان را مستحق تخفیف مجازات تشخیص می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری و صدور رأی

دادگاه با استناد به ماده فوق، مجازات خواهان را به شرح زیر تخفیف می‌دهد:

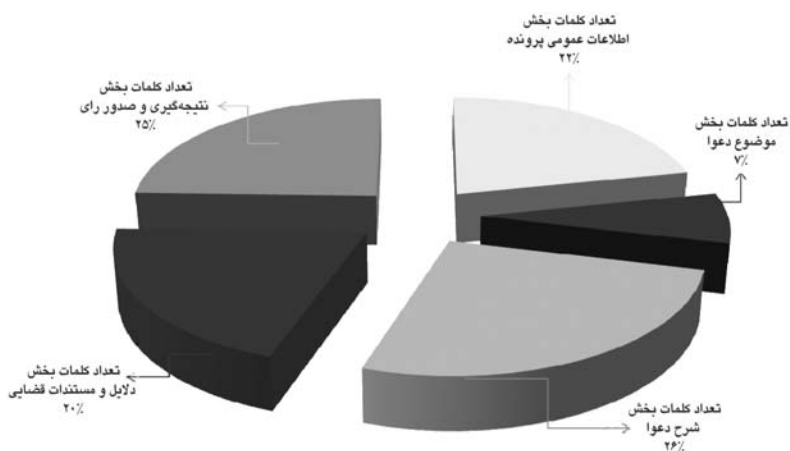
۱- یک سال حبس تعزیری؛ ۲- جزای نقدی به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۳- پس‌دادن سهم دو نفر دیگر شاکی‌ها.

با توجه به نمودار ۱-۵ که فراوانی کمیت زبانی بخش‌های مختلف در خلاصه رأی را نشان می‌دهد، نتیجه می‌گیریم که در این رأی «بخش نتیجه‌گیری و صدور رأی» بیش‌ترین حجم از خلاصه را در بر گرفته است.



نمودار ۱-۵ فراوانی کمیت زبانی بخش‌های مختلف در خلاصه دادنامه

پس از تحلیل ۵۰ دادنامه (بیکره زبانی پژوهش) و بررسی فراوانی کمیت زبانی بخش‌های مختلف خلاصه هر یک از آن‌ها، چنانکه نمودار ۲-۵ نشان می‌دهد، مشاهده شد که در مجموع بخش «شرح دعوا» بیشترین حجم از خلاصه آراء را در بر می‌گیرد، اما نتایج حاصل از بررسی‌هایی که به روش گروه کانونی صورت گرفت حاکی از آن است که از دیدگاه حقوقی بخش «دلایل و مستندات قضایی» که رأی قاضی براساس آن صادر می‌شود، مهم‌ترین بخش از خلاصه محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت بخش‌های مختلف خلاصه آرای قضایی (به لحاظ معنای زبانی) و کمیت زبانی داده‌های مستخرج از آرای قضایی در هر بخش از خلاصه رأی (به لحاظ حجمی)، الزاماً با هم رابطه مستقیم ندارند.



نمودار ۲-۵ فراوانی کمیت زبانی بخش‌های مختلف در خلاصه آرای ۱-۵۰

جدول ۲-۵ برخی از عبارات‌های حقوقی و نشانگرهای گفتمانی در آرای قضایی

| عنوان | عبارات حقوقی و علائم گفتمانی | مثال |
|-----------------------|--|--|
| موضوع دعوا | - درخصوص - به طرفیت - به خواسته | - درخصوص دادخواست تقدیمی خانم ... - شرکت ... به طرفیت شرکت ... به خواسته |
| شرح دعوا | - با این توضیح که - با تقاضای صدور حکم - با تقدیم دادخواست | - با توضیح اینکه خواهان مکتوب نموده که بر اثر تصادف. - با تقاضای صدور حکم مبنی بر جبران خسارت وارده ... - خواهان با تقدیم دادخواست فوق، مدعی عدم ایفای تعهدات از سوی خوانده است. |
| دلائل و مستندات قضایی | - با عنایت به محتویات پرونده - به لحاظ نظریه کارشناسی - با استناد به مؤدای شهادت | - با عنایت به محتویات پرونده و عدم دفاع از سوی خوانده ... - به لحاظ نظریه کارشناسی مبنی بر نقض مقررات راهوری ... - با استناد به مؤدای شهادت شهود که جملگی بر عسرت خواهان از پرداخت دفعتاً واحده دیه حکایت دارد ... |

ادامه جدول ۲-۵

| عنوان | عبارات حقوقی و علائم گفتمانی | مثال |
|-----------------------|--|--|
| نتیجه‌گیری و صدور حکم | - لذا/ علیهذا - ثابت و موجه / ثابت و محرز تشخیص‌دادن. - حکم به رد دعوی / حکم بر بطلان دعوا/ حکم بر بی‌حقی خواهان | - لذا/ علیهذا با عنایت به مراتب مارالذکر خواسته خواهان را ثابت و موجه تشخیص داده و حکم به رد دعوی / حکم بر بطلان دعوی/ حکم بر بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. |

۶. نتایج پژوهش

تحلیل متن آرای قضایی نشان می‌دهد که از لحاظ زبان‌شناختی، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های متن آرای قضایی ناشی از سبک و ساختار پیچیده آن است. این ساختار پیچیده به دلیل طولانی‌نویسی، استفاده فراوان از واژگان عربی و عبارات حرف اضافه‌ای، عدم رعایت اصول نشانه‌گذاری و همچنین به‌کارگیری واژگان تخصصی و اصطلاحات حقوقی (بدون ارائه تعریف مناسب، به طوری که برای غیرحقوقدانان هم قابل فهم باشد به وجود می‌آید). طی پیاده‌سازی رأی در الگوی خلاق مشاهده شد که با تقطیع ساخت موضوعی متن رأی دادگاه، می‌توان به مضمون هر بخش و همچنین علائم گفتمانی و اصطلاحات خاص حقوقی هر قسمت پی برد. همچنین با شناسایی ساخت موضوعی آرای قضایی و تقطیع آن به مضامین مختلف و سپس حذف عناصر و گزاره‌های غیرضروری متن، می‌توان بدون هرگونه لطمه‌رساندن به انسجام معنایی متن رأی، عبارات کلیدی آن را از سایر عناصر غیرضروری مجزا ساخت. پس از تست الگو به روش «گروه کانونی» به این نتیجه رسیدیم که اهمیت بخش‌های مختلف خلاصه آرای قضایی (به لحاظ معنای زبانی) و کمیت زبانی داده‌های مستخرج از آرای قضایی در هر بخش از خلاصه رأی (به لحاظ حجمی)، الزاماً باهم رابطه مستقیم ندارند. همچنین تست الگو به روش بررسی مقایسه‌ای نشان داد که الگوی خلاق باعث ارتقاء پیوستگی معنایی، قابلیت درک آسان‌تر و شفافیت و صراحت بیان بیشتر در متن آرای قضایی می‌شود. از نتایج فرعی این پژوهش این است که آرای مدنی را راحت‌تر از آرای کیفری می‌توان خلاصه‌نویسی کرد؛

زیرا مباحث مدنی عرفی‌تر از مباحث کیفری است. همچنین برخی از واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی را که دارای معانی عمیق هستند، نمی‌توان به راحتی ساده‌نویسی کرد؛ بنابراین لازم است برای به‌گزینی واژه جایگزین، با یک حقوقدان مشورت شود.

یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند در موارد زیر کاربرد داشته باشد:

- کمک به حقوقدانان در فهماندن متن رأی به غیرحقوقدانان و تسریع فرآیند دادرسی؛
- کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های زبان‌شناسی، ادبیات و حقوق در زمینه خلاصه‌نویسی متون حقوقی به زبان ساده حقوقی؛
- تقویت ارتباط میان حقوقدانان و عامه مردم؛
- کمک به جامعه مترجمان رسمی در درک نکات کلیدی متون حقوقی و وفاداری به مفهوم اصلی متن در حین ترجمه؛
- راه‌اندازی یک «بانک اطلاعات حقوقی» که خلاصه آرای قضایی و متون حقوقی را به زبان ساده و به‌طور رایگان در اختیار عموم قرار می‌دهد.

۷. منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقالات نخستین همایش زبان‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- حبیبی، حسن. (۱۳۷۴). «زبان حقوقی». *مجله نامه فرهنگستان*. س ۱، ش ۱.
- خسروی، محمدرضا. (۱۳۸۴). *آئین نگارش حقوقی*. تهران: مؤسسه انتشاراتی نگاه بینه.
- داوودی ریسی، ماندانا. (۱۳۸۴). *تأثیر روابط قدرت بر ژانر دفاع کودکان بزهکار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شای، راجردلیو. (۱۳۸۲). «زبان‌شناسی قانونی». *مجله زبان‌شناسی*. ترجمه اعظم استاجی. س ۲۰، ش ۲.
- صالحی‌راد، محمد. (۱۳۸۵). *آئین نگارش آرای قضایی*. تهران: مؤسسه انتشاراتی نگاه بینه.
- صفی، نفیسه. (۱۳۸۶). *ویژگی‌های کلامی جمل‌های میان زنان و مردان در دادگاه خانواده*

- شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه پیام نور.
- لطیفی‌خواه، پریا. (۱۳۸۱). *بررسی ساختار نحوی متن قانون مدنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد، واحد مرکز.
 - ون دایک، تئون. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*. ترجمه پیروز ایزدی و همکاران. [تهران]: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
 - هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). *راهنمای علمی پژوهشی کیفی*. تهران: انتشارات سمت.
 - Brown, G. & G. Yule. (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Coulthard, M. & A. Johnson. (2007). *Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence*. London & New York: Routledge.
 - Gibbons, J. (1994). *Language & Law*. London & New York: Longman Publishing.
 - Halliday, M.A.K. & R. Hassan. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
 - Olsson, J. (2003). *What Is Forensic Linguistics?*. England: Nebraska Wesleyan University.
 - Shuy, R.W. (1998). *Bureaucratic Language in Government & Business*. Washington D.C.: Georgetown University Press.
 - _____. (2006). *Linguistics in the Courtroom: A Practical Guide*. New York: Oxford University Press.
 - Tiersma, P. & L., Solan. (2004). "Cops & Robbers: Selective Literalism in American Law". In: *Law & Society Review*. Vol. 38, No. 2.
 - Vandijk, T.A. (1977). *Text & Context*. London: long man.